

شناخت دین ۲۶

گذشتگان:

خداوند در آیه ۳۴ و ۳۵ بقره میفرماید:

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ، لَهَا مَا كَسَبَتْ وَرَأْتُمْ مَا كَسَبْتُمْ، وَلَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ.
آنها گونی بودند که از دنیا رفتند. هر چه کردند مال خویشان است و آنچه شما می کنید مال شماست.
و در باره کارهایی که آنها میکردند از شما سؤال و بازخواست نمیشود.

بن عاقل در تاریخ گذشته غرق نمیشود. تاریخ گذشته چه راست چه دروغ فقط میتواند درس عبرتی برای انسان های عاقل باشد تا اشتباهات آنها را تکرار نکنند.

خداوند در آیه آخر سوره یوسف سوره ۱۲ میفرماید: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ. «در داستان زندگی آنها برای افراد عاقل درس عبرتی وجود

دارد.» تاریخ گذشته که انسان ها می بینند پر از دروغ است. چون چه کسی وجود دارد که همه جا حضور داشته باشد و تمام وقایع را دیده باشد و جوهرهایی که میزنند شنید، باشد. هیچکس جز خداوند

چنین حالتی ندارد. و در تاریکی که نامش نوری وجود داشته که هر چه گفته بدقت نوشته باشد. و کلام ضبط صوتی بوده که سخنان را ضبط کند و بعد از آن پاره کند و بنویسد. و کلام

روزنامه یومی (روزانه ای) وجود داشته که وقایع را بنویسد. و تاریخ نویسان آنها نیز پر از زانی بوده اند که با تیرین زبانی وقایع بزرگ و اصلی تاریخ را با داستان سرانی های خود نوشته

و هر قدر تیرین زبان تر و خیال پردازتر بوده اند تاریخشان تیرین تر و مولود پسندتر بوده است. بن عاقل از تاریخ چه راست چه دروغ درس زندگی میگیرد و پس

نجم البدر غنه:

علی علیه السلام در خطبه ۲۳۴ نجم البدر غنه میفرماید:

فَانظُرُوا لَيْفَ كَانُوا حَيْثُ كَانَتِ الْأُمَمُ الْمُجْتَمِعَةُ، وَالْأَهْوَاءُ مُوَلَّغَةً، وَالْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةٌ،

وَالْأَيْدِي مُتَرَادِفَةٌ، وَالسُّيُوفُ مُنَاصِرَةٌ، وَالْبَصَائِرُ نَافِذَةٌ، وَالْعَزَائِمُ وَاحِدَةٌ،

أَلَمْ يَكُنُوا أَرْبَابًا فِي أَنْظَارِ الْأَرْضِينَ وَمُلُوكًا عَلَى قَابِ الْعَالَمِينَ؟

نگاه کنید وضع آنها چگونه بود وقتی جمعیت آنها متحد شدند و خواسته های یکی شد، دل ها معتدل شد، و دستها در یک ریغ بلکه افتاد، شمشیرها بیاری هم

کشیده میشد و میشد و محبت بود، و تقسیم نمی شد؟ آیا در اطراف زمین صاحب اختیار نبودند و بر جهانیان حکومت نمیکردند؟

عظمت ملت ها موقعی بوجود می آمد و می آید که متحد شوند و توطئه عظمت ها موقعی پیش می آید که تفرقه و اختلاف پیدا شود. اما افراد کو تا ماه بین متوجه این حقیقت نیستند و با بهانه های

کو کانه خود را از دیگران کنار می کشند و در مورد مسلمانی که کوچکترین ارزشی در دین ندارد از دیگران جدا می شود و چهار زلت و خواری می شود. خبری است که خداوند باره آن صریحاً در آیه ۳۱ میفرماید: **إِنْ تَحِبُّوا الْبَاطِلَ مَا تُحِبُّونَ عِنْدَ نَفْسِكُمْ سِئَاتٍ لَكُمْ وَذَخَلْتُمْ بِهَا كُرْهُاً** «اگر از کتاها ن بزرگی که از آن نمی شده اید اجتناب کنید کتا آن دیگر شما را می بخشیم و شما را با احترام دارد بجای از نتمندی (وارد است) می کنیم» ولی متأسفانه مسلمانان ابرهوی پرستان و بودویان و کتاها از آن رنی شده اند و از اسلام صدقه و هزاران فرقه مشتق و بر جیت و انجمنی یک فرقه شد و هدف بزرگ دین که روشن دنیائی است که در آن از ظلم و ف و فقر و جهل و خورد شدن شخصیت انسان ناشکی نباشد یا پال هووی پرستی افراد شده مسلمان واقعی باید تسلیم حکم خدا باشد که در آیه ۳۰ آمل عر ان میفرماید: **وَاعْتَصِرُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا** یعنی به تزان بچسبید و چهار فرقه نشوید» ولی با قرآن راراً کریم و از حرف افراد پیروی کریم. در صورتیکه خداوند در آیه ۳ اعراف سوره ۷ میفرماید: **اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ** «از قرآنی که از حسب ختمایان شما نازل شده پیروی کنید و از اولیائی غیر از آن پیروی نکنید بعهه کی متوجه این نبود می شود»

حدیث

امام صادق (ع) روایت کرده است: **كُنَّا بَعْضُ عِلْمٍ جَدِيدٍ أَصُولُ كَافِي مِيفْرَايِدِ نَحْوِصِ فَرَمُودِ**
إِذَا لَلَّيْتُمْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمَظْلِمِ فَعَلَيْكُمُ بِالْقُرْآنِ...
مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَأَّهُ إِلَى النَّارِ

دقی انحرافات مثل باره ای شب تا یک حقیقت را بر شما شبیه می کرد، وظیفه شماست که از قرآن استفاده کنید...

کسی که آن را جدوی خود قرار داد قرآن او را به نیت امبری میکند، و هر کس آن را به نیت سمرانه اخف قرآن او را بطرف جهنم سوق میدهد.
 مسلمان واقعی تسلیم حکم خداوند است و از دستور خدا پیروی می کند و از قرآن پیروی میکند و عقاید خود را با کتاب الهی می سجد و آن را اصلاح میکند و از دیگر پیروی عملی کند برای اتحاد مسلمانان فقط یک راه وجود دارد و آن بازگشت به قرآن است. که نشان خوب باید از دنیا رفتند حساب آنا با خدا است کتا به کارها نبوده و از نیت آنها خبر گرفته.

۱۰ تا ۲۰ باب دوم که به یعقوب از محمد جدید:

«هر که تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلفرد ملزم همه میباشد. زیرا او که گفت زمانگن نیز گفت قتل ملن. پس هر چند زمانگنی اگر قتل کردی از شریعت تجاوز نمودی... ای برادران من چه سود دارد اگر کسی گوید ایمان دارم وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان میتواند او را اجابت بخشد؟... همچنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد در خود مرده است... تو ایمان داری که خدا واحد است. نیکو میکنی شیاطین نیز ایمان دارند و می لرزند، لیکن ای مرد باطل آیا میخواهی بدانی که ایمان بدون اعمال باطل است؟»